###### 28

###### آزاد.jpeg

###### **دانشگاه آزاد اسلامي**

###### **واحد تهران مرکز**

**موضوع:**

**احکام موسیقی در اسلام، تاثیرات موسیقی بر جامعه و اعصاب و روان ، حرام و حلال بودن آن و احادیث مربوطه**

استاد راهنما:

دانشجو:

*فهرست مطالب*

**فصل اول: مفهوم و مراد از موسيقي**

مقدمه 2

موسيقي 2

موسيقي در اسلام 4

**فصل دوم: موسيقي و مجالس**

تشخيص تناسب موسيقي (يا غنا) با مجالس لهو و لعب 12

گوش دادن 12

**فصل سوم: تأثيرات موسيقي بر فرد و جامعه**

ترانه و طرب در زندگي واقعي مسلمانان 18

**فصل چهارم: دلايل مختلف بر حلال و حرام بودم موسيقي**

سرگرمي با آلات موسيقي 21

حكم اسلام دربارة ترانه و موسيقي 23

اصل در مباح بودن 24

دلايل طرفداران تحريم و پاسخ به آنها 26

ترانه از جهت قواعد و روح اسلام 33

دلايل طرفداران جواز ترانه 40

**فصل پنجم: احاديث و روايات (مخالفين)**

چهل روز با آلات موسيقي 44

موسيقي علني در آخر الزمان 44

**فصل ششم: احاديث و روايات (موافقين)**

احاديث ذكر شده 48

**فصل هفتم: تأثيرات موسيقي بر اعصاب و روان**

كار اعصاب و تأثير موسيقي بر آن 52

**فصل هشتم: پاره‌اي از نكات مهم**

چند سؤال و جواب 57

**فصل نهم: ديدگاه تاريخ به موسيقي**

نظر تاريخ در مورد شعر و ترانه 59

**فصل دهم: شرايط و قيودي كه بايد رعايت شوند**

عوارضي كه سماع را از دايره مباح به دايره حرام مي‌برد 66

**فصل يازدهم: چرا متأخرين در كار غنا سخت‌گيري مي‌كنند:**

1- تمسك به حكم شديد و بدتر و نه آسان‌تر 69

2- عدم آشنايي با احاديث ضعيف و موضوع 69

3- افراط و انحراف در ترانه 69

ديدگاه امام غزالي در اين باره 71

**فصل دوازدهم: سخن آخر**

هشدار نسبت به سهل‌انگاري در بيان تحريم 73

فهرست منابع و مآخذ 76

**مقدمه:**

**هنر موسيقي در جهان امروز از جايگاه ويژه اي برخوردار است و کاربردهاي موسيقي در عرصه هاي مختلف فرهنگي و اجتماعي قابل کتمان نمي باشد.**

**بررسي موضوع موسيقي و حرمت غنا در اسلام موضوعي است که در ساليان اخير با گسترش صنايع صوتي و تصويري از اهميت افزون تري برخوردار گشته است.**

**نوشتار حاضر سعي دارد تا ضمن بررسي معني، مفهوم و مصاديق غنا از منظر فقه اسلامي زواياي مختلف اين موضوع را مورد ارزيابي قرار دهد و به تبيين تفاوت هاي غناي مجاز و غير مجاز بپردازد.**

**مـوسـيقي**

موسيقي صداها و آهنگ‌هايي است كه از نواختن ابزار مخصوص موزيك ايجاد مي‌شود، كه بعضي از انواع آن حلال و بعضي از انواعش حرام مي‌باشد.

موسيقي

🢐 مناسب مجالس لهو و لعب (فساد و گناه) است 🡰 حرام است

🢐 مناسب مجالس لهو و لعب (فساد و گناه) نيست 🡰 حلال است

مراد از آهنگ اصواتي است كه در نوع خاصي از بيان هنري شكل مي‌گيرد، به گونه‌اي كه بتواند محرك لازم را در مخاطب ايجاد كند و احساس لذت و زيبايي را براي او به همراه داشته باشد. به تعبيري ساده‌تر مقصود از آهنگ همان چيزي است كه در زبان معاصر نام «موسيقي» بر آن گذارده‌اند.

«آهنگ» از مهمترين ويژگي‌هايي است كه از نظر شكل خارجي، هنر را از امور ديگر، ممتاز مي‌سازد. شايد سرّ اين نكته به ساختار طبيعت بشر برگردد كه حركات و سكنات و تعبيرات وي بر پاية هماهنگي حركت جسم با عبارات و كلماتي كه بر زبان مي‌آورد استوار است. اگر هنر بر اساس احساسات يا عاطفه استوار باشد، «آهنگ» بيش از هر چيز ديگر، نموداري از هنر خواهد بود، زيرا وقتي عاطفه با محركي مواجه شود كه با وجدان شخص و ساختار رواني او كه ساختاريست براساس نظم و هماهنگي در حركت و نطق- هماهنگي دارد، در چنين حالتي زودتر پاسخ خواهد داد. شايد محرك بخشي و انگيزشي كه اشعار حماسي يا بعضي از خطبه‌ها و يا خواندن‌هاي آهنگ‌دار و يا با ترتيل از آن برخوردارند، بتواند سر ارتباط و هماهنگي اين مسئله را با ساختار انسان تفسير كند.

طبيعي است كه دو نوع آهنگ متفاوت وجود دارد: يكي از آنها يعني همان نوع كه بدان اشاره شد، از نظر هنري ضروري است، در حاليكه نوع ديگري از آهنگ كه در مقابل آن قرار دارد از نظر شرع ممنوع شمرده شده است تا بدان پايه كه اين ممنوعيت از حد كراهت گذشته و به تحريم رسيده است (در بررسي پديدة غنا از نظر شرع مقدس شديداً تحريم شده است).

نكتة مهم آنكه مي‌توان در پرتو متون هنري اسلامي اصول و يا انواع اين نوع آهنگ مجاز را كه در آوا داشتن، تجانس[[1]](#footnote-1) و توازن[[2]](#footnote-2) عبارات متجليست، كشف كرد.

مراد از آوا داشتن، ماهيت حروف تشكيل دهنده يك كلمه (به عنوان يك كلمة منطوق) مي‌باشد كه در مجموع كلمات، وضعيت خاصي را به خود مي‌گيرد.

اين چهار نوع از آهنگ را مي‌توان به روشني در متن قرآن كريم، احاديث پيامبر(ص) و اهل بيت(ع) مشاهده كرد از اين طريق مي‌توان به اصول عمومي حاكم بر پديدة آهنگ از ديدگاه اسلام دست يافت و آنرا در كار هنري اسلامي مورد استفاده قرار داد.

هدف ما از بحث در مورد آهنگ عبارت است از: استفاده بردن از عنصر مذكور در جهتِ بخشيدن نوعي جمال و زيبايي به كار هنري، براي دلبسته كردن مخاطب به كار مذبور. البته به كار گيري اين عنصر بايد براساس موقعيت و شرايط عصر هنرمند صورت گيرد.

نكته مهم آنكه شرايط و اوضاع فرهنگي براي هنرمند اسلامي ايجاب مي‌كند تا آن نوع از آهنگ را كه با اين شرايط سازگار است انتخاب كند. توجه به همين امر مي‌تواند سر تنوع و تفاوت آهنگ در متون اسلامي را روشن كند.

برخي از عناصر آهنگ از جمله: آوا، آوا داشتن كلمه، تجانس اصوات و الفاظ و هماهنگي مفهوم مورد نظر با آهنگ متن با شرايط فرهنگي معاصر هنرمند در ارتباط نيست. اين عناصر ويژگي‌هاي مشترك و دائمي هنر هستند. به گونه‌اي كه نبود آنها در يك كار هنري باعث از دست رفتن زيبايي آن خواهد شد، در حاليكه مشخصة يك كار هنري نسبت به تعابير علمي و عادي وجود همين زيبايي است. (5)

**موسيقي در اسلام**

هنر موسيقي در جهان امروز از جايگاه ويژه اي برخوردار است و کاربردهاي موسيقي در عرصه هاي مختلف فرهنگي و اجتماعي قابل کتمان نمي باشد. بررسي موضوع موسيقي و حرمت غنا در اسلام موضوعي است که در ساليان اخير با گسترش صنايع صوتي و تصويري از اهميت افزون تري برخوردار گشته است. سلسله مطالب ذيل سعي دارد تا ضمن بررسي معني، مفهوم و مصاديق غنا از منظر فقه اسلامي زواياي مختلف اين موضوع را مورد ارزيابي قرار دهد و به تبيين تفاوت هاي غناي مجاز و غير مجاز بپردازد.

هدف اصلي در نظام آفرينش حيات برپايه كمال و بالندگي است. براين اساس، نقش آفرين هستي در تدارك اين مقصود، بهترين ابزار انتقال را در خدمت بشر قرار داده تا براي دريافت هدايت و سوق او در طريق سعادت، به شايستگي، او را كفايت نمايد. اينجاست كه اهميت قوه سامعه و نيروي شنوائي به عنوان دريچه اي براي دريافت حقايق و پلي ارتباطي بين جهان بيرون و عالم درون، براي بشر روشن مي گرد. از طرفي عمده ترين مراكز اداره زندگي بشر در درون وي، يكي پايگاه تفكر و انديشه يعني «مغز» است كه تدبير زندگي به دست اوست و ديگري«قلب» است كه مركز رشد عواطف و احساسات و معني و پايگاه تبلور عشق و ايمان مي باشد و مجراي ورود به هر دوي اينها از طريق دو حس عظيم باصره و سامعه ممكن و مقدور مي گردد. لذا قصور نسبت به هركدام مسئوليت آور است وبه تعبير قرآن كريم «ان السمع و البصر والفواد كل اولئك كان عنه مسوولا» «همانا گوش و چشم و دل انسان هر يك مورد سؤال قرار مي گيرد».[[3]](#footnote-3)



از ديدگاه روانشناسي قرآني گاه اين مجاري با تعاملات ناشايست رفتاري مسدود مي گردد و گاه عواملي موجب انبساط آن مي شود و به تبع قبض و بسط اين مجاري، انبساط و انقباض در روان انسان ايجاد مي گردد.

بنابر اين ممكن است يك شنيدني موجب سرور و نشاط و از سويي عامل بسط شكوفايي ذوق و قريحه در انسان گردد و به گونه اي كه چشم جان او را بگشايد و نغمه هاي ملكوتي را پذيرا شود آنگونه كه مادر عيسي زمزمه زيباي ملايك را مي شنيد، يا به تعبير قرآن كريم گاه يك نغمه الهي در درون بشر، مبدأ تحول و دگرگوني مي گردد به صورتي كه«اذا تليت عليهم آياته زادتهم ايماناً...»[[4]](#footnote-4) يا «وجلت قلوبهم» و گاه آنچنان اين دريچه مسدود مي شود كه روح هرگونه انبساط و شادابي را از دست مي دهد و به قبض و كدورت مي گرايد، ديگر نه واجد ذوق است نه طالب رشد؛ بسط آن سطحي و قبضش دايمي، حظش از جمال ناقص و رضايت و بهره مندي او كاذب است، شوقش به لهو است و ميلش به لغو. اينها هستند كه موسيقي را به ابتذال مبدل مي سازند و از مسير حقيقي به انحراف مي كشانند. آنان كه در برداشت از موسيقي هنر و انضباط نمي پذيرند، روح آنان توان صعود ندارد اينجاست كه تن به شبيه سازي و تشبهي ناموزون دست مي زند و از مواد افيوني و تخديري كمك مي گيرند تا لحظاتي جسم و نفس خود را از دست رنجهاي دنيوي رها سازند و در بي خيالي و غفلت به سر برند. بشر از ابتدايي‌ترين زمان زندگي با موسيقي هاي طبيعي در متن خلقت مانوس بوده است، آهنگ مرغان خوش الحان، آب جويباران، ريزش آبشار، برخورد امواج با ساحل و... اولين آموزگار بشر درآموختن اين هنر بوده است.

انسان وقتي آواز پرندگان را شنيد مفتون نازك كاريها و ظرافت در طبيعت و شاهكارهاي آفرينش شد، در مقام تقليد و ترويج برآمد، ابتدا از صداي خويش استفاده كرد و سپس از ابزارهاي طبيعي چون ني و دميدن هوا در چوب توخالي، و بعد ساختن سازها و ابزارهاي مختلف موسيقي؛ و اما امروز موسيقي مبين احساسات يك ملت است و سرود ملي هر كشوري متناسب با فرهنگش مي باشد، هنرهاي زيبا نماينده ذوق و روحيات ملل است. موسيقي زبان ادراكات و ترجمان دل است اگر مردم گرفتار آلام و مصايب زندگي شوند به قول مولوي در ني آنها آتش عشق مي افتد.

بشنو از ني چون حكايت مي كند و زجـدائي‌ها شكـايت مي‌كـند

اينجاست كه از اين هنر دو نوع برداشت مي شود:

اول: مفهوم عمومي آن كه شامل هر صدا و آهنگ موزوني است كه تأثير در روان آدمي دارد.

دوم: مفهوم خاص موسيقي كه به انواع گوناگون تقسيم مي شود.

و به تعبير ديگر گاه موسيقي طبيعي و گاه موسيقي هنري و مصنوعي است، كه نوع دوم همان محصول دست بشر است كه گاه انسان را مي خنداند و گاه مي گرياند، گاه نشاط آور است و زماني انسان را در دنيايي از تخيل و پندار رها مي سازد.

بر اين اساس رسالت هنرمند بسيار قابل توجه است، او دو مسئوليت دارد (در برابر خود و در برابر مردم ) كه در هر زمينه اگر قصور ورزد مورد سوال قرار مي گيرد.

اگر آهنگ، روح سازندگي و بالندگي داشت و احساسات دروني و پسنديده را به ترسيم كشاند هم براي هنرمند و هم براي جامعه پيام دارد اما اگر حامل پيام ارزشي نبود، منشأ بطالت و بيهودگي و لهو و لغو و در نهايت انحراف و افسردگي فرد و جامعه است و به عنوان يكي از ابزارهاي استعمار و استثمار مورد استفاده قرار مي گيرد، از اين رو در فرهنگ اسلامي موضوع موسيقي و غنا مورد توجه و داراي اهميتي خاص است. (6)

1. - مقصود از «تجانس»، همساني اصوات در مجموع كلمات و به عبارت ديگر همساني صوتي يك كلمه با كلمة ديگر مي‌باشد. [↑](#footnote-ref-1)
2. - منظور از «متوازن»، قرار داشتن اصوات و آواها در يك سيستم صوتي مكرر و پي در پي است، همانند اوزان شعري يا عبارات موزون. [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره اسراء،آيه 36 [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره انفال، آيه 2 [↑](#footnote-ref-4)